

مسأله‌های غرامات

جنگ دوم ایران و روسیه

(مانده از شماره پیش)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

نوشته

جهانگیر قائم مقامی

(دکترریاض)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*
* * *

و اما داستان دو کرور آخر از ده کرور تومان غرامات معاهده
ترکمانچای

این مبلغ سه موجب فصل دوم قرارداد غرامات، می بایستی
تا هجدهم رجب ۱۲۴۵ پرداخت می شد اما به طوریکه دیدیم نه تنها این
مبلغ ادا نشد بلکه پرداخت کسری کرور هشتم هم تاریخ اول ۱۲۴۵
و شاید هم تا مدتی بعد به تعویق افتاد. ولی دولت ایران در عین همه
گرفتاریهای ناشی از کرور هشتم از مسأله دو کرور آخر غافل نبوده
و در همان زمان که گفتگوی رفتن هیات نمایندگی ایران برای عذرخواهی
از واقعه قتل گریبایدوف و اجرای خون بست در میان بود برای اسقاط
این تعهد و یا الاقل تخفیف در مقدار و تمدید مهلت آن مبلغ نیز
اقداماتی می کرد. اسنادی که در دست است این مطلب را تأیید می کند.
از جمله این مدارک، نامه ایست به تاریخ اواخر ماه رمضان ۱۲۴۴
و مقارن با روزهایی که قرار بوده است قائم مقام و محمد میرزا به
نماینده گی دولت ایران به روسیه بروند و قائم مقام در این نامه در
پاسخ سؤال فتحعلیشاه که خواسته بود «حاصل این سفر را دانسته
باشد» به برادر خود میرزا موسی خان نوشته است.

« سوم، دو کروری که از کرورات عهدنامه
مانده و هرگاه غفلت شود ده ماه دیگر موعد
می رسد. نه روی آن هست که از سرکار اقدس
استدعا شود، نه یارائی داریم که از جای دیگر
فکر بکنیم، نه از این رعیت و نوکر که این جا
هستند دیگر چیزی می توان گرفت.

دیدیم که درین کرور خوی بر خلق چه گذشت،

به چه حال افتادند تاهریك به قدر الحصه چیزی دادند . دوکرور چیزی نیست که به آسان آسان عمل آید . به قلم حساب کردن ، به زبان حکایت نمودن آسان است اما پول کردن و از حلق بر آوردن آنقدر دشوار است که به حد استحاله می رسد « ۴۸

و باز در دستور العملهایی که پس از عزیمت خسرو میرزا به روسیه ، متوالیاً برای محمدخان امیر نظام فرستاده می شد ، قائم مقام ضمن تعلیمات و دستوراتی که در مورد ماموریت مزبور می داده ، در باره دوکرور هم نکاتی را یادآور می شده است و قصد او در همه حال این بوده که به نحوی این مبلغ را از گردن دولت ایران بیندازد و یا لاقلاً تخفیفی کلی و تمدید در مهلت تادیه آن به دست آورد . این است قسمتی از یکی از آن دستور العملها ، مورخ پنج شنبه سوم ذی قعدة ۱۲۴۴ ه . ق :

« مطلب ثالث در باب دوکرور باقی عهدنامه ، بنده درگاه گفتم که از ابتداء بنا بر این بود که وجه عهدنامه پانزده کرور باشد بعد ذلك پنج کرور را جناب جنرال انشف موقوف کرد دوکرور برای این بود که نایب السلطنه روحی فداه خدمت اعلی حضرت امپراطور اعظم برود ، گذشت ملوکانه فرمایند . نواب السلطنه تدارک دیده و آماده پادر رکاب بوده که کاغذ غراف نسلرود و غراف پسقویچ هر دو رسید ، موقوف فرمودند . از این طرف اهمال و قصوری در رفتن نشد ، از آن طرف هم باید مضایقه و امتناعی در گذشت شاهانه نشود و این کار دخلی به خون گریبایدوف و ربطی به جنگ با عثمان نلوندارد . گذشت و التفاتی است که پادشاه ذی جاه ممالک روسیه مخصوصاً به ولی

۴۸- مرقع شماره ۴۸۴۵ برگ ۳ ، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران .

عهد دولت و سلطنت ممالک ایران خواهد فرمود .
 کنیاز گفت که اعلیحضرت امپراطور اعظم این پولها را به نظر
 نمی آرد و این گذشتها را بسیار جزئی می داند . انشاءالله تعالی دو
 کرور را به ولی عهد ایران گذشت خواهد کرد و من می توانم تعهد
 کنم که بعد از ورود نواب امیرزاده به تفلیس درین باب کاغذاطمینان
 از جنرال انشف به نایب السلطنه برسد . درثانی قرار برین شد که
 امیرزاده به پترزبورغ برود امپراطور انشاءالله به او ببخشد .^{۴۹}
 به هر صورت در ملاقاتی که میان خسرو میرزا و امپراطور روسیه
 در دربار روسیه صورت گرفت (یکشنبه ۲۲ صفر ۱۲۴۵ ه . ق)
 مسأله دو کرور تومان بقیه غرامات مطرح شد و امپراطور روسیه يك
 کرور تومان را به عنوان «پای رنج» خسرو میرزا بخشید و طی نامه ای
 هم این موضوع را به اطلاع دولت ایران رسانید .
 امپراطور در این نامه نوشته بود :

«..... بناء علیه ، ورقه علیحده [ای] به
 دستخط خود نوشتیم . از مبلغ معینه که قرض
 دولت ایران است ، موافق مصالحه منعقدہ در
 ترکمانچای که در عهدنامه بین دولتین علیتین
 روس و ایران مندرج است مبلغ يك کرور تومان
 گذشت نمودم و مابقی را مهلت دادم که به مدت
 پنج سال کارسازی نمایند .^{۵۰} (ضمیمه شماره ۶
 گراور ۱)

۴۹- مجموعه نامه های قائم مقام، نسخه خطی شماره ۷۸۲، کتابخانه مجلس
 شورای ملی. در همین مجموعه، دستورالعمل دیگری هم هست که ماده ای مشابه
 این مطالب در آن نوشته شده و این اسناد به نظر مرحوم اقبال نرسیده بوده است.
 ۵۰- اصل نامه و ترجمه آن که اقبال آنها را ندیده بود، در آرشیو وزارت
 امور خارجه ایران است. برای آگاهی از متن کامل نامه به ضمیمه شماره ۶ و
 تصاویر آن رجوع کنید .

عملت دادم که بهر شیخ که رازی نماید شمار لازم کرد که اولاً

از صرفت پریشانی قضای نشسته پرده روش با حق قانون مرا

در محنت این نظام مربوط آید که سلسله نظام امور دولتی شمار هم کشیده

کنود نصیحت مشعانه ما به استقلال و استقرار سلطنت ما خواهد افزود

در صورتیکه وضع قانون نظامیه شما در محنت این اصول بنیت

منظم گردد برای نظم امور مملکت و در ثنی مرکز که حیاتی باشد

از طرف ما بهر چه ^{ازین جهت} تصحیح خواهد شد ^{ازین جهت} معلوم البتة که تابعیت در محنت

حمایت حفظ و صیقل حد فرسجان جبرش نه بوده باشید ازین

بدین ترتیب يك کروازدوكرور تومان بخشوده شد و موعد پرداخت كرور ديگر هم پنج سال بعد معين گرديد .^{۵۱}

تاريخ اين نامه ۲۴/۱۲ اكتوبر ۱۸۲۹ برابر با ۲۵ ربیع الثانی ۱۲۴۵ است ولی چون نه اصل «ورقه علیحده» که امپراطور روس در نامه خود به آن اشاره کرده در دست است و نه رونوشت آن ، تاریخ آغاز و انقضای مهلت مزبور را به درستی نمی دانیم .

مرحوم اقبال در مقاله خود نوشته است «موعد پرداخت کروازدوكرور مقارن شد با فوت عباس میرزا و ابتدای ولیعهدی پسرش محمد میرزا» ولی از این عبارت تاریخ صریحی به دست نمی آید زیرا فوت عباس میرزا در دهم جمادی الاخر ۱۲۴۹ قمری و انتخاب محمد میرزا به ولیعهدی در ۱۲ صفر ۱۲۵۰ اتفاق افتاد^{۵۲} و این دو واقعه، نه ماه فاصله زمانی داشته اند. بنابراین از روی این عبارات فقط می توان به تاریخ تقریبی انقضای مهلت که در حدود آخر سال ۱۲۴۹ بوده نزدیک شد . اما چون می دانیم پس از سپری شدن این مهلت، موعد پرداخت کروور مزبور باز به مدت دو سال دیگر تمدید شده است .^{۵۳}

با استفاده از چند نامه ای که درباره موضوع این دو سال مهلت موجود است و از آن جمله نامه ایست که سفیر روسیه به قائم مقام نوشته، چنین بر می آید که مهلت دو ساله ، در اول محرم ۱۲۵۲ پایان می یافته^{۵۴}

(ضمیمه شماره ۱۲) با احتساب این تاریخ، آغاز مهلت دو ساله و یا به عبارت دیگر انقضای مهلت پنج ساله، اول محرم ۱۲۵۰ و بالنتیجه

۵۱- به ناسخ التواریخ ج ۱ ص ۲۵۷ و روضة الصغای ناصری ج نهم ص ۲۹۳ و منتظم ناصری ج ۳ ص ۱۴۷ نیز رجوع کنید .

۵۲- ر. ک به روضة الصغای ناصری ج ۹ ص ۳۳۱ (فوت عباس میرزا) و ص ۳۳۷ (ولیعهدی محمد میرزا)

۵۳- ر. ک به اقبال: مقاله غرامات ص ۳۲ و ناسخ التواریخ ج ۱ ص ۳۰۲

۵۴- مجموعه شماره ۶۲۰۹ در وزارت امور خارجه ایران

تاریخ شروع آن اول محرم سال ۱۲۴۵ ه. ق بوده است.

در این جا به نکته‌ای باید توجه داشت و آن چنین است که تاریخ شروع مهلت پنج ساله که اول محرم ۱۲۴۵ بوده، یکماه و ۲۲ روز پیش از ملاقات امپراطور روسیه و خسرو میرزا (۲۲ صفر ۱۲۴۵) می‌شود و این وضع خود ابهامی به وجود می‌آورد. در توجیه آن، دو حدس می‌توان زد. یکی آنکه شاید برای روشنی محاسبات خواسته‌اند مبنای قرار بر آغاز سال باشد. دوم اینکه احتمالاً انقضای آخرین مهلت سابق همین تاریخ بوده است.

مرحوم اقبال، سپس اضافه کرده است «محمد میرزا به دستگیری میرزا ابوالقاسم قائم مقام دوسال دیگر از روسیه مهلت گرفت»^{۵۵} در درستی این مطلب تردیدی نیست اما گرفتن مهلت دوساله خود مسبوق به مقدمات و اقداماتی بوده که مرحوم اقبال از آن نکات ذکری نکرده و ما به استناد چند سندی که در دست است به ذکر قسمت‌هایی از آن مقدمات می‌پردازیم^{۵۶}

بعد از بازگشت خسرو میرزا از روسیه و پایان یافتن قضیه قتل گریبایدوف، به سبب اغتشاش‌هایی که در یزد و کرمان و خراسان و صحرای ترکمان پیش آمد، نایب السلطنه ماموریت یافت برای رفع بی‌نظمی‌ها و اغتشاش‌های آن نواحی به آنجا برود. به این منظور در

۵۵ - مجله یادگار شماره ۲ سال یکم ص ۳۲

۵۶ - مرحوم اقبال که فقط به یکی از آن اسناد، آن هم بعد از چاپ مقاله غرامات، دسترسی یافته بود از آن اقدامات و مقدمات بهیچوجه صحبتی نکرده است. سند مزبور هم نامه‌ایست که محمد خان امیر نظام بعد از مرگ عباس میرزا، از تبریز به قائم مقام که هنوز در خراسان بود نوشته است و اقبال متن کامل آن را نقل از اسناد کتابخانه سلطنتی ایران در مقاله «کتاب حاجی بابا» بچاپ رسانیده (مجله یادگار شماره ۵ سال یکم) و ما نظر به اهمیتی که این سند در روشن کردن سوابق مسأله کرورات دارد، متن آنرا در ضمائم این مقاله نقل کرده‌ایم (ضمیمه ۷)

۱۲ شعبان ۱۲۴۶ به تهران آمد و در ۲۴ آن ماه عازم یزد شد^{۵۷} و پس از رفع غائله یزد و کرمان از راه اصفهان و تهران به خراسان رفت و تا اواخر سال ۱۲۴۸ به دفع اغتشاشهای خراسان و نواحی ترکمان نشین سرگرم بود.^{۵۸}

مقارن این احوال، دولت روسیه سفیری تازه به نام ایوان سیمونیچ Ivan Simonitch به ایران فرستاد و او با هدایای بسیار در ۱۵ ذی قعدة ۱۲۴۸ به تهران رسید و چون پس از شرفیابی به حضور شاه، می بایستی به تبریز رفته در آنجا مقیم می شد، الکساندر خود رکفر را که قونسول روسیه در ایران بود و زبان فارسی را به خوبی می دانست^{۵۹} به خراسان فرستاد تا نامه و هدایای امپراطور را که برای نایب السلطنه فرستاده بود، برساند.^{۶۰}

بعد از این تاریخ یعنی در اوائل ۱۲۴۹ است که می بینیم عباس میرزا، با آنکه هنوز يك سال به انقضای مهلت پنج ساله کرور آخر غرامات باقی بود، در عین گرفتاریهای خراسان به فکر تمدید مهلت کرور آخر افتاده و دستور داده است محمدحسین خان زنگنه ایشیک آقاسی باشی و میرزا باباطیب تبریزی حکیم باشی او برای این مقصود به روسیه بروند.^{۶۱}

- ۵۷ - ناسخ التواریخ ج ۱ ص ۲۶۷ علوم انسانی
- ۵۸ - برای آگاهی از جزئیات سپاه کشی به یزد و کرمان و خراسان رجوع کنید به تواریخ دوره قاجاریه
- ۵۹ - این شخص همان کسی است که در تاریخهای دوره قاجاریه نام او را میرزا الکسندر ضبط کرده اند و او صاحب کتابیست به نام دستور زبان فارسی که به زبان فرانسوی تألیف کرده و در پاریس به چاپ رسیده است. وی در پایان عمر خود به پاریس رفت و پس از مرگش کتابهای خطی و مجموعه اسناد و مکاتبات او که از مراجع معتبر و مهم تاریخ دوره قاجاریه می تواند بود به کتابخانه ملی پاریس منتقل شد.
- ۶۰ - روضة الصفاى ناصرى ج ۹ ص ۳۲۶ و منتظم ناصرى ج ۳ ص ۱۵۴
- ۶۱ - نامه امیر نظام به قائم مقام (ر. ک به ضمیمه شماره ۷) - ناسخ التواریخ ج ۱ ص ۲۹۹ و ص ۳۰۲ و همچنین منتظم ناصرى ج ۳ ص ۱۵۵

وقتی اوضاع واحوال این روزها را با این وقایع بسنجیم ، این فکر پیش می آید که آیا توجه دولت روسیه برای تحکیم روابط خود با ایران در این روزها که سپاهیان ایران در چند منزلی هرات بوده اند ، با مقاصد سیاسی آن دولت برای نفوذ در افغانستان ارتباط نداشته و طرح تمديد مهلت پرداخت کرور آخر را زائیده فکر آنها نباید دانست ؟ خاصه که موضوع تمديد مهلت کرور آخر ، بعد از آمدن سیمونیچ ، و عزیمت سپاه ایران از خراسان به جانب هرات پس از طرح تمديد مهلت بوده است.^{۶۲}

اما مقارن این احوال عباس میرزا نایب السلطنه در گذشت (۱۰ جمادی الثانی ۱۲۴۹) و محمد میرزا که در هرات بود ، به ناچار دست از محاصره هرات برداشته به مشهد بازگشت . مسأله ولایتعهدی که چه کسی به جای عباس میرزا انتخاب شود ، از این پس همه چیز را تحت الشعاع خود قرار داد و نمایندگان روسیه و انگلیس نگران سرنوشت ولایتعهدی ایران بودند . ولی قائم مقام که می دید موعد پرداخت يك کرور تومان نزدیک و نزدیکتر می شود مصلحت را چنان دید که محمد حسین خان زنگنه و میرزا بابا حکیم باشی هر چه زودتر به سوی مأموریت خود حرکت کنند اما چون هنوز تکلیف ولیعهد روشن نبود ، روسها به بهانه اینکه اعتبارنامه های آنان از جانب عباس میرزا بوده و حال که عباس میرزا در گذشته لامحاله آن اعتبار نامه ها باید تجدید شود ، از عزیمت آنها جلوگیری کردند و گاهی هم به بهانه های دیگر مثل تقارن با فصل زمستان و سرمای شدید راهها و همچنین گرانی و کمبود مایحتاج زندگی ،

۶۲ - ورود سیمونیچ به تهران در ۱۵ ذی قعدة ۱۲۴۸ ه ق بوده است .

متعذر می‌شدند^{۶۳} و خوب معلوم بود که می‌خواهند تا روشن شدن وضع ولایتعهدی ایران، موضوع را به دفع‌الوقت بگذرانند. (گراور ۲ - ضمیمه ۸)

در این روزها میان درباریان هم بر سر انتخاب کسی که به ولیعهدی ایران برسد اختلاف نظر شدید وجود داشت. از یک طرف، قائم مقام و آصف‌الدوله و امیرنظام برای ولیعهدی محمد میرزا تلاش می‌کردند از طرف دیگر میرزا ابوالحسن خان و امین‌الدوله به سود ظل‌السلطان با یکدیگر متفق شده بودند و شاه نیز دستخوش تردید و دودلی بود.

سند معتبری که عبارتست از نامه‌ای که در همین روزها میرزا مهدی ملک‌الکتاب عمو زاده قائم مقام از تهران به خراسان به قائم مقام نوشته و به خط رمز است پرده از روی تحریکاتی که درباره ولایتعهدی صورت می‌گرفته برمی‌دارد. چون مفاد این نامه با مسأله کرور آخر غرامات هم، بستگی بسیار دارد بی‌مناسب نیست متن کامل آن را در این جا نقل کنیم: ۶۴

«الکسندر به خارجه گفته بود^{۶۵} به شاه عرض کن وعده کرور نزدیک شده همین که موعده برسد باید پول را داد. بیشتر در فکر باشید. خارجه گفته بود چه فکر بکنیم. گفته

۶۳ - نامه محمد حسن خان زنگنه به قائم مقام (ضمیمه ۸) که اصل آن به رمز بوده و نسخه رمز و کشف آن در مجموعه ۶۲۲۰ در آرشیو وزارت امور خارجه ایران موجود است (برگ ۷)

۶۴ - اصل نامه باخط رمز و باکشف آن ضمن مجموعه شماره ۶۲۰۴ اسناد دولتی در آرشیو وزارت امور خارجه ایران ضبط است (برگ ۶۸)

۶۵ - منظور از الکسندر، الکساندر خودرکف قونسول روسیه و مرآت از «خارجه»، میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر دول خارجه می‌باشد.

Handwritten text in Urdu script, appearing to be a letter or a document. The text is dense and covers most of the page, with some lines being more prominent than others. The script is a traditional style, likely from the late 19th or early 20th century. The text is written in dark ink on a light-colored paper. The overall appearance is that of a historical document or a personal letter.

بود پنج هزار تومان پیش از موعد کرور برای وزیر مختار بفرستید او از دولت روس مهلت برای شما بخواهد و حالا رفتن محمد حسین خان چندان ضرور نیست . خارجه به شاه عرض کرد الکساندر می گوید محمد حسین خان عبث می رود و شاه عبث حکم کرد به دولت روس برای بخشش کرور برود . اگر برود ، دولت روس نمی بخشد ، وزیر مختار هم نمی گذارد محمد حسین خان برود . درسموعد کرور را می خواهد . شاه فرموده چرا مانع رفتن محمد حسین خان می شوند . خارجه عرض کرد آصف نمی گذارد ^{۶۶} الکساندر را تحریک می کند که آن عرضها را بکند و به شاه تنگ بگیرند که شاه لاعاج راضی به ولیعهدی محمد میرزا بشوند .

شاه به شدت متغیر شد . به اندرون رفت . ظل باعث تغیر شاه را پرسید . شاه کیفیت عرض خارجه را به ظل فرمودند . ظل عرض کرد آصف لحظه [ای] از فسادفارغ نیست . از يك طرف امیر نظام را وامی دارد براینکه وزیر مختار الکساندر را به طهران برای کرور بفرستد . از يك طرف محمد میرزا را وامی دارد که از خراسان برسکی را پیش ایلچی انگلیس

۶۶- مقصود ، الله یارخان آصف الدوله است .

زنگنه کتابخانه مدرسه عریضه لاهیجان

بفرستند. از يك طرف به واسطه امير ، براين
 می دارد که عریضه بنویسند که اگر شاه محمد
 میرزارا ولیعهد نکند ما به شاه خدمت نمی کنیم.
 خلاصه شاه را نسبت به آصف، ظل بسیار متغیر
 کرد . شاه از تغیر دو روز بیرون نیامد ، بعد
 که بیرون آمد آصف را مطلقاً نخواست . الکسندر
 و خارجه و امین را خواست . الکسندر را مرخص
 کرد در نهایت تغیر در همان شب امین خارجه
 را برداشت به خانه ظل رفته با او مسمد شدند
 که خارجه برود به ایلچی گری از پنج دولت
 فرنگ امضای ولیعهدی ظل را بیاورد . فردای
 آنشب ظل به شاه عرض کرد من و امین و خارجه
 تعهد می کنیم که خارجه برود کرور را موقوف
 کند ، با دولت انگلیس هم قرار بدهد که همه
 ساله دویست هزار تومان به شاه بدهند . شاه
 قبول کرد . صبح زود خارجه و امین و ظل را
 خواست و حکم برفتن خارجه کرد . بیست و
 چهارم رمضان می رود . پانزده هزار تومان به
 او دادند که ده هزار را شاه بدهد ، پنج هزار
 را امیر نظام بدهد ، همان پولی که به مسد
 حسین خان و حکیم باشی بایست بدهند با
 سایر تحف و هدایا که از جانب ولیعهد می بردند
 به خارجه بدهند و هدایای بسیار هم برای
 دولت روس و سایر دولتها ، شاه داد . بالفعل
 آصف در نهایت ابتذال راهی می رود . همه

روزه پیش ظل می رود تملق می کند . ظل محل نمی گذارد . امین و خارجه دماغی دارند شاه از آصف بسیار بدبرده شاه حالا قدری خودش را بی احتیاج به شما می داند ، به سبب رفتن خارجه و تعهد گذراندن کرور .

(گراوور شماره ۳)

چون کار به اینجا کشید ، نماینده روسیه با صراحت برای شاه پیغام فرستاد « توقع دولت روس از شاه این است که اساس نایب السلطنه را برهم نزنید . ولیعهد محمد میرزا باشد و کار گذار ، قائم مقام . اگر غیر اینها باشد مانمی توانیم با آنها رفتار کنیم » .^{۶۷}

بعد از این اتمام حجت که اشاره به توافقهائی بوده که روسها درباره برقراری سلطنت در خاندان عباس میرزا کرده بودند ، الکساندر خودرکف با صراحت بیشتر درباره یک کرور تومان گفته بود : « نه ، می بخشیم و نه مهلت می دهیم . و عده کرور هم نزدیک است . اگر صد هزار تومان پیش از موعد بدهید می توانیم از دولت خود مهلت برای شما بگیریم . اما بخشش در میان نیست و هرگاه شاه در باب تعیین ولیعهد موافق خواهش ما رفتار کند گمان کلی داریم که دولت ما به ولیعهد گذشت کنند نه به شاه » .^{۶۸}

۶۷ - از نامه رمزی که ملك الکتاب به قائم مقام نوشته بود (برگ ۶۹

مجموعه ۶۲۰۴ ، آرشیو وزارت امور خارجه ایران - ر. ک به ضمیمه ۹)

۶۸ - همان مدرک

کسند زبانه شاه و بالکسند در حضور زخمی بود که در راه میرزا با پادشاه روبرو
 آمد کسند را بهین و غار بر میام دلو مارش طلبیم بجهت میرزا که در این مفسد است
 کسند نوشته است و بر او نشانی و فرستادیم در غایت بر او میرزا را
 که با پان و مرسان و خوانین فراسان و شاه و میرزا موسی خان و لایحه
 وزیر و امیر نظام و میرزا اسحق بدو در بهر راه و معان بفرستند
 کسند زبانه شاه و بالکسند در حضور زخمی بود که در راه میرزا با پادشاه روبرو
 آمد کسند را بهین و غار بر میام دلو مارش طلبیم بجهت میرزا که در این مفسد است
 کسند نوشته است و بر او نشانی و فرستادیم در غایت بر او میرزا را
 که با پان و مرسان و خوانین فراسان و شاه و میرزا موسی خان و لایحه
 وزیر و امیر نظام و میرزا اسحق بدو در بهر راه و معان بفرستند
 کسند زبانه شاه و بالکسند در حضور زخمی بود که در راه میرزا با پادشاه روبرو
 آمد کسند را بهین و غار بر میام دلو مارش طلبیم بجهت میرزا که در این مفسد است
 کسند نوشته است و بر او نشانی و فرستادیم در غایت بر او میرزا را
 که با پان و مرسان و خوانین فراسان و شاه و میرزا موسی خان و لایحه
 وزیر و امیر نظام و میرزا اسحق بدو در بهر راه و معان بفرستند

سند شماره ۴ - نامه دوم ملک الکتاب به قائم مقام که به خط رمز نوشته بوده است .

سپس ملك الكتاب در نامه خود اضافه کرده است « شاه به الکسندر در حضور فرموده بود که کرور را محمد میرزا باید بدهد، به شاه رجوع ندارد. الکسندر به امین و خارجه پیغام داد ما از شاه طلبکاریم، به محمد میرزا کار نداریم.....»

(گراور شماره ۴ ضمیمه ۹)

قائم مقام که زمینه را خود فراهم ساخته و نمایندگان روسیه و انگلیس را با ولیعهدی محمد میرزا یکدل کرده^{۶۹} بود و از ضعف نفس فتحعلی شاه در برابر پول آگاه بود، از موقع استفاده کرد و نامه‌ای از جانب محمد میرزا به این مضمون نوشت:

«کارداران دولت ایران این رنج نبرند و ایلچی به جانب روس گسیل نفرمایند و هرگز نام این دین بر زبان نرانند که ادای این دین بر ذمت من است».^{۷۰}

اتمام حجت روسها و تدبیر قائم مقام بالاخره اثر خود را بخشید و فتحعلیشاه دستور داد خلعت برای همه امیرزادگان و امرا و خوانین خراسان و آذربایجان بفرستند^{۷۱} و قائم مقام را نیز به تهران احضار کرد تا ترتیب ولیعهدی محمد میرزا را بدهند.^{۷۲}

۶۹- ر. ک به ضمیمه شماره ۱۰

۷۰- ناسخ التواریخ ج ۱ ص ۳۰۲

۷۱- لسان الملك سپهر نیز نوشته است «محمد باقر خان قاجار برادر آصف الدوله را که خال شاهزاده محمد میرزا بود با یکصد بسته جامه تشریف روانه خراسان فرموده (یعنی فتحعلیشاه) تا سوکواران نایب السلطنه را که سلب سیاه دربر کرده بودند از سوکواری برآرند و میرزا محمد خان پسر آصف الدوله را نیز با یکصد دست جامه دیگر مأمور آذربایجان فرمود» (ناسخ - التواریخ، ج ۱ ص ۳۰۲ - ۳۰۳) و این خلعتها بعد از ماه رمضان فرستاده شد (نامه دوم ملك الكتاب، ضمیمه ۹)

۷۲- ناسخ التواریخ ج ۱ ص ۳۰۲

بدین ترتیب مسأله ولیعهدی محمد میرزا پایان یافت و محمد میرزا در ششم صفر ۱۲۵۰ به تهران آمد^{۷۳} ولی قائم مقام با تمام این احوال از موضوع يك كرور تومان غافل نبود و مرتباً با الكساندر خوزركف و ایوان سیمونیچ وزیر مختار روسیه در آن خصوص ارتباط می گرفت. از خلاصه عرایضی که به خط قائم مقام موجود است و آن را برای محمد میرزا نوشته، این تلاش و نگرانی او از بابت كرور مزبور به خوبی آشکار است. در این خلاصه عرایض، قائم مقام نوشته است « امروز صبح میرزا الكساندر اینجا آمد. او را فرستادم در باب كرور با وزیر مختار حرف بزند و مثل بید لرزه در دل دارم تا جواب برسد و انشاء الله بروفق مدعا باشد. نداری بکنید ».

و کمی بعد می نویسد: « وزیر مختار^{۷۴} را با ایلچی روس فردا عصر، دو ساعت به غروب مانده به صیغه ضیافت جشن فرمان ولیعهدی، وعده باید خواست. میوه و شیرینی و چای و قهوه در حضور مبارك صرف نمایند...»^{۷۵}

به هر صورت، جشن ولایتعهدی محمد میرزا در ۱۲ صفر ۱۲۵۰ برگزار شد^{۷۶} و محمد میرزا روز ۱۶ همان ماه به سوی تبریز عزیمت کرد. ولی قائم مقام برای اتمام مسأله «مهلت» در

۷۳- همان کتاب ص ۳۰۶

۷۴- مراد وزیر مختار انگلیس است.

۷۵- مجموعه اسناد دولتی شماره ۶۲۷۳، آرشیو وزارت امور خارجه ایران.

۷۶- ناسخ التواریخ ص ۳۰۷

تهران باقی ماند و سرانجام روسها هم که در باطن بی میل نبودند ادای کرور مزبور به تأخیر افتد تا باز جای پائی برای تحمیل نیات و تأمین مصالح احتمالی خود داشته باشند (چنانکه این فرصت هم بار دیگر برای آنها در سال ۱۲۷۱ به دست آمد) ،^{۷۷} با يك مهلت دیگر به مدت دو سال موافقت کردند که از اول محرم ۱۲۵۰ شروع می شد . قائم مقام هم پس از فراغت از این مسأله دشوار ، روز بیست و یکم صفر تهران را ترك گفت و در میانه به اردوی محمد میرزا ملحق شد .^{۷۸}

به این ترتیب برای مدت دو سال دیگر ، خاطر دولت ایران از بابت کرور آخر غرامات آسوده شد .

در خلال این مدت ، فتحعلیشاه درگذشت (پنج شنبه نوزدهم جمادی الاخر ۱۲۵۰) ، محمد میرزا برمسند پادشاهی نشست (یکشنبه هفتم رجب ۱۲۵۰) و قائم مقام به صدارت عظمای ایران رسید و زمام امور را به دست گرفت ولی هنوز گرد راه تبریز به تهران را از سر و روی خود پاك نکرده بود که باز نغمه ناموزون مطالبه يك کرور تومان برخاست و سیمونیچ نامه ای به تاریخ هفتم محرم ۱۲۵۱ مبنی بر نزدیک شدن موعد ادای کرور ، به قائم مقام نوشت و در آن توجه دولت ایران را به تاریخ انقضای مهلت که «غرة محرم ۱۲۵۲» می بود جلب نمود .^{۷۹}

اما طولی نکشید قائم مقام به دستور محمد شاه کشته شد

۷۷- ر. ک به پایان مقاله

۷۸- روضة الصفاى ناصرى ج نهم ص ۳۳۸

۷۹- اصل نامه، مهور به مهر سیمونیچ با سجع «وزیر مختار دولت بهیه روسیه غراف ایوان سیمونیچ، در مجموعه ۶۲۰۹ آرشیو وزارت امور خارجه ایران . سوادى از آن هم در مجموعه اسناد خودزکف در کتابخانه ملی پاریس (برگ ۶ ، 995 . Pers . Supp) موجود است. برای آگاهی از متن آن به ضمیمه شماره ۱۱ در ضمایم این مقاله رجوع کنید .

(۲۹ صفر ۱۲۵۰) و حاجی میرزا آقاسی به جای او بر مسند صدارت ایران نشست .

انقضای مهلت دوساله مصادف با دوران صدارت حاجی میرزا آقاسی بود. چند سند مربوط به این مسأله و این سالها در دست است و از آنها معلوم میشود اولاً، دولت ایران باز تقاضای مهلت کرده و دولت روسیه نیز با دادن مهلت موافقت نموده است . من جمله نامه موافقت آمیزیست که دولت روسیه به سیمونیچ در پاسخ پیشنهاد او حاکی از اینکه ۱۸ ماه مهلت به دولت ایران داده شود، فرستاده .^{۸۰} ثانیاً در چند دفعه بابت اقساط کرور مزبور، مبالغی پرداخته شده است. از جمله يك بار در تاریخ جمادی الاول ۱۲۵۲، مبلغ ۲۹۰۸۴ تومان و چهار هزار دینار از این بابت بر سرمنوچهرخان معتمدالدوله حکمران فارس حواله صادر شده^{۸۱} و بار دیگر به موجب سیاهه‌ای که قرار بوده به صحهٔ محمدشاه برسد، مبلغ ۹۹۷۹۱ تومان و شش هزار دینار از «خزانه عامره» بیرون آورده‌اند.^{۸۲} و بالاخره نامه‌ایست مورخ ۱۵ صفر ۱۲۵۴ که وزیر مختار روسیه به حاجی میرزا آقاسی نوشته و در آن از بیست هزار تومانی که بابت باقی کرور، حواله کرمانشاهان شده بوده ذکری نموده است.^{۸۳} (ضمیمه ۱۳)

۸۰- مجموعه ۶۲۰۷ در آرشیو وزارت امور خارجه (ر. ک به ضمیمه

شماره ۱۲)

۸۱- مقاله غرامات ص ۳۲-۳۳

۸۲- مجموعه شماره ۶۲۰۷ وزارت خارجه ایران

۸۳- همان مجموعه .

ولی به هر حال ، قدر مسلم این است که بدهی مزبور در زمان حاجی میرزا آقاسی پرداخت نشد و تا زمان صدارت میرزا آقاخان نوری (۱۲۶۸-۱۲۷۵ ه.ق) ادامه یافت .

به موجب نامه‌ای که میرزا آقاخان در تاریخ رجب ۱۲۶۹ به میرزا محمد حسین صدر وزیر مختار ایران در سن پترزبورگ نوشته و در ضمن آن از میرزا محمد حسین صدر خواسته بود مهلت ده ساله‌ای از دولت روسیه بگیرد، ^{۸۴} معلوم می‌شود محمدشاه به همه جهت ۱۷۰ هزار تومان از یک کرور تومان را پرداخته و ۳۳۰ هزار تومان از آن تا زمان میرزا آقاخان باقی مانده بوده است.

به طوریکه از این نامه برمی‌آید مبلغ مورد ادعای روسها در این تاریخ ۴۷۲ هزار تومان بوده و این اختلاف یعنی ۱۴۲ هزار تومان را روسها به عنوان تفاوت وزن سکه‌های فتحعلی شاه و محمدشاهی مطالبه میکردند .

میرزا آقاخان در نامه خود به صورت یک دستورالعمل می‌نویسد:

«از يك کرور موافق رواج عهد شاه مرحوم (منظور محمد شاه است) هرچه گرفته‌اند حساب کنند و تتمه را که سیصد و سی هزار تومان باشد پول رواج حالا دریافت نمایند و تفاوت وزن هم چیزی نیست که آنها از ما طلب حسابی داشته باشند. راست است که در عهد مرحوم فتحعلی‌شاه تومانی، ۲۴ نخود بوده و حالا هیجده نخود است.

اما آنوقت زر خالص نبود. شاه مرحوم از وزن کسر کردند و هر تومانی را زر خالص قرار دادند که در حقیقت آنچه از وزن کسر شده است، بر تومانی طلا بوده است.»

اما این اختلافات همچنان باقی بود تا آنکه جنگهای کریمه بین روسیه و عثمانی در آستانه وقوع قرار گرفت. دولت روسیه از اینکه مبادا دولت ایران به عثمانی کمک کند، دچار نگرانی گردید و برای جلوگیری از این خطر و تهدید احتمالی، با دولت ایران وارد مذاکره شد و حاصل مذاکرات، معاهده‌ای سری بوده که در چهار فصل میان ایران و روسیه منعقد گردید (۱۸ محرم ۱۲۷۱ برابر با ۲ سپتامبر ۱۸۵۴). به موجب این معاهده، دولت ایران قبول کرد در مدت جنگهای روسیه و عثمانی بی طرف بماند و به عثمانی و متحدین او کمکی نکند و به استناد فصل سوم آن نیز، دولت روسیه از باقی کرور آخر یعنی از ۳۳۰ هزار تومان و یا بنا بر دعوی خود آنها از ۴۷۲ هزار تومان دیگر صرف نظر کرد و این است متن فصل سوم معاهده سری :

«فصل سوم - دولت روسیه از طرف خویش به ملاحظه اجرای صحیح فصول مسطوره و نظر به انجام آن با صداقت و حقانیت و وظایف دوستی و حسن همجواریت از جانب دولت ایران، اگر در مدت تمام امتداد جنگ دولت روسیه با دشمنان خود، این مواد باحسن عمل انجام شود و هیچ دلیلی موجه در خلال آن زمان بر نقض آنها شهادت ندهند، در ضمن انعقاد صلح مطالبه بقیه آخرین

کرور تومانی را که دولت ایران الان هم به دولت روسیه مقروض است، دولت روسیه گذشت و انکار خواهد کرد.^{۸۵}

بدین ترتیب داستان غرامات ترکمانچای پایان یافت و به طوری که دیدیم مقصود نهائی روسیه از این بازی وصول پول مزبور نبود بلکه می خواست، همیشه دولت ایران به روسیه مقروض باشد تا در هر زمان که مصالح امپراطوری روسیه لازم بداند آن را مستمسک کرده به دولت ایران فشار بیاورند و در قبال آن، مصالح خاص خود را تامین نمایند.

پایان



۸۵- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم : محمود محمود،